فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، پیاپی۱۰
صفحات ۶۳-۴۳

انباشت سرمایه و اقتصاد فضا در ایران

حسن افراخته*، استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
محمد حجی‌پور، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۴/۲۱ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۰/۱۴

چکیده

انباشت سرمایه موتور محرکه توسعه است که کنش آن طی سه فرآیند عملی می‌گردد. انباشت سرمایه در بستر تاریخی و جغرافیایی مختلف، فرم‌های خاص مکانی - فضایی از اقتصاد را به‌وجود می‌آورد که اقتصاد فضا اطلاق می‌شود. تجارب تاریخی انباشت سرمایه در ایران حاکی است که چرخه‌ی اول انباشت سرمایه و تصاحب مازاد اقتصادی صورت پذیرفته است اما چرخه سرمایه مراحل دوم و سوم را طی ننمود و به سرمایه‌داری مولد تبدیل نشده است. در این مقاله تلاش شده است تا ضمن بررسی تغییر و تحولات روند انباشت سرمایه، به تحلیل فضایی آن در کشور پرداخته شود. گردآوری داده‌های مورد نیاز با انجام مطالعات اسنادی و بهره‌گیری از پایگاه داده‌ی سازمان-هایی چون مرکز آمار ایران صورت پذیرفته است؛ به‌منظور تحلیل داده‌ها از همبستگی پیرسون در آمار کلاسیک و آماره‌ی موران محلی و بیضوی انحراف استاندارد، به‌منظور سنجش و پویش خودهمبستگی فضایی شاخص‌های تحقیق در محیط نرم‌افزارهای SPSS و GIS استفاده شده است. نتایج نشان داد که انباشت سرمایه در اولین مرحله خود، درجازده و به سرمایه‌داری مولد منتهی نشده است. از حیث ظرفیت تولید ثروت و انباشت سرمایه، شکاف قابل توجهی بین مناطق مختلف می‌توان دید. سازمان فضایی موجود، فقدان نظام اقتصادی شبکه‌ای و برتری اقتصاد خدماتی و بورژوازی مستغلات، امکان توسعه متوازن کشور را محدود کرده است. این ویژگی با موقعیت کشور در اقتصاد جهانی در رابطه است؛ چنانکه قطب‌های مسلط اقتصاد جهانی با توان بالای حفظ امنیت و سودآوری سرمایه، همچون آهن‌ربایی عمل می‌کنند که هرگونه امکانی را برای حفظ ثروت و سرمایه در داخل سایر کشورها باقی نمی‌گذارد. در همین راستا، سرمایه‌داری اطلاعاتی و دانش‌محور، چنان انحصاری عمل می‌کند که اکثر کشورهای جهان، توان رقابت با برخی کشورها و شرکت‌های چند ملیتی را ندارد.

واژگان کلیدی: انباشت سرمایه، ارزش افزوده، صنعت، اقتصاد فضا.

* Email: hafrakhteh@yahoo.com

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

۱) مقدمه

انباشت سرمایه موتور محرکه توسعه است که کنش آن طی سه فرآیند عملی می‌گردد. انباشت سرمایه در بستر تاریخی و جغرافیایی مختلف، فرم‌های خاص مکانی - فضایی از اقتصاد را به‌وجود می‌آورد که اقتصاد فضا اطلاق می‌شود. در ایران پیش از مشروطیت، به دلیل استبداد حاکم، امکان انباشت یا به تعبیر مارکس، *ارزش‌افزایی سرمایه*[1] (مارکس،۱۳۸۸: ۶۳۷) فراهم نبوده است؛ چراکه از گسترش محیط مصنوع برای تولید و مصرف، پشتیبانی نمی‌شد. در نتیجه، ابتکارات به‌سوی هنرهای فردی (قالیبافی) هدایت می‌گردید که هزینه تولید را بسیار بالا برده و رقابت‌پذیری آن را در اقتصاد آزاد از بین برده بود. از این رو انباشت سرمایه و توسعه اتفاق نمی‌افتاد (سیف،۱۳۸۰: ۱۷۴-۲۰۶). پس از مشروطیت و به هنگام اصلاحات ارضی دهه ۴۰، چرخه‌ی اول انباشت سرمایه و تصاحب مازاد اقتصادی از طریق سلب مالکیت و خصوصی‌سازی گسترده کارخانجات دولتی به‌عنوان پشتوانه اصلاحات ارضی انجام گردید؛ اما چرخه سرمایه مراحل مختلف و سیکل دوم و سوم را طی ننمود و به سرمایه‌داری مولد تبدیل نگردید، بلکه در جستجوی سود بیشتر، به نقاط امن سرمایه‌داری جهانی در خارج از مرزها انتقال یافت. پس از انقلاب اسلامی و به هنگام جنگ تحمیلی، به دلایل مختلف دو کشور همجوار (ترکیه و امارات متحده عربی) از شرایط جدید در جهت انباشت سرمایه در کشور خود به نحو فزاینده‌ای بهره‌گیری کردند. فروپاشی شوروی سابق بازارهای مطلوبی را در جمهوری‌های مجاور نوار شمالی ایران فراهم آورد که در چند سال اول به رونق منتهی شد؛ اما به رغم مزیت نسبی جغرافیایی برای مناطق همجوار نوار شمالی ایران، رقابت سرزمین‌های دوردست که مزیت جغرافیایی ندارند، به دلیل شرایط جغرافیای سیاسی فرامنطقه‌ای و نیز ضعف مدیریت منطقه‌ای کشور، منجر به تحکیم و تقویت انباشت سرمایه بومی در استان‌های شمالی ایران نشده است.

منابع سرمایه‌ای دیگری که به انباشت سرمایه در متن فضایی کشور کمک می‌کند، منابع دولتی حاصل از منابع نفتی است. منابع ملی با امتزاج درآمدهای استانی در قالب بودجه سنواتی به استان‌ها تخصیص می‌یابد که به صورت بودجه عمرانی مستقیماً به سرمایه ثابت تبدیل و نقش مهمی در رشد و توسعه منطقه ایفا می‌کند. شواهد حاکی از آن است که این تخصیص‌ها متناسب با رعایت اصل اساسی برنامه‌ریزی منطقه‌ای یعنی اختصاص سهم بیشتر به مناطق کمتر توسعه یافته نیست (عظیمی،۱۳۸۴). با گذشت چندین دهه تجربه در امر برنامه‌ریزی توسعه، سیاست‌گذاری‌های مالی و تخصیص سرمایه در کشور، این سوال اساسی مطرح است که *"دگرش‌های روند ارزش‌افزایی سرمایه و پیامدهای آن بر اقتصاد فضا در کشور چگونه بوده است؟"* در این

[1] Capital Valorization

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

مقاله تلاش شده است تا ضمن واکاوی تغییر و تحولات روند انباشت سرمایه، به تحلیل فضایی آن در کشور پرداخته شود.

۲) مبانی نظری

رویکرد سرمایه محور جهان امروز که در چرخه‌ی فزاینده‌گی قرار دارد، توجه به مسئله انباشت سرمایه را ناگزیر ساخته است؛ چراکه با ترکیب و امتزاج عناصر مهمی از ساخت فضا چون تولید، مالکیت و ایجاد ارزش افزوده، در تقویت اندام‌های هر اقتصاد و کنش اقتصادی، نقش بی‌بدیلی را ایفا می‌کند. انباشت سرمایه در واقع بکارگیری ارزش مازاد به‌عنوان سرمایه یا بازتبدیل ارزش اضافی به سرمایه می‌باشد (مارکس،۱۳۸۸: ۶۲۴). بدین‌سان، انباشت سرمایه حاصل تبدیل اضافه ارزش به *"ثروتی که از پس‌انداز درآمد پدید آمده و برای کسب سود استفاده می‌شود (سرمایه)"*، است (همان، ۶۳۳). هنگامی که تولید در هر روابط اقتصادی (چه اقتصاد بازار و چه اقتصاد تحت فرمان برنامه) بتواند اضافه ارزشی را ایجاد کند و کل این اضافه ارزش و یا بخشی از آن را در چرخه‌ی بازتولید به منظور گسترش تولید بکار گیرد، در آن صورت انباشت سرمایه تحقق یافته است (هاروی،۱۳۸۷: ۲۸). از این رو، نخستین شرط انباشت سرمایه این است که کالا و خدمات تولیدی وارد روند چرخش سرمایه شود و سود حاصله مجدداً به سرمایه تبدیل گردد و این زمانی تحقق می‌یابد که «سرمایه‌دار موفق شود کالاهای خود را بفروشد و بخش بیشتر پولی را که از فروش آن‌ها دریافت کرده، بار دیگر به سرمایه تبدیل کند» (مارکس،۱۳۸۸: ۶۰۹).

انباشت سرمایه که در ابتدا گسترش کمی به نظر می‌رسید، از طریق تغییر کیفی پیوسته‌ی ترکیب خود، یعنی از طریق افزایش دائمی جزء ثابت به زیان جزء متغیر آن تحقق می‌یابد. در واقع اگر گسترش فقط کمی باشد، آنگاه سود سرمایه‌ی کم و بیش بزرگ [مثلاً] در یک شاخه‌ی صنعت به نسبت مقدار سرمایه‌های پرداخت شده خواهد بود. اگر گسترش کمی تأثیری کیفی داشته باشد، آنگاه همزمان نرخ سود سرمایه‌ی بزرگ ترقی خواهد کرد (همان، ۶۷۶). بنابراین، چنانچه سطح تولید کالا و خدمات از نظر کمی و کیفی ارتقاء نداشته باشد، در روند رقابت از دور خارج گردیده و نمی‌تواند به انباشت بیشتر سرمایه کمک نماید؛ بدین‌سان، انباشت برای تداوم تولید و بقای سرمایه‌داری ضرورتی بنیادی است و همین امر به گسترش تولید و توسعه اقتصادی به‌ویژه در نظام سرمایه‌داری منجر می‌شود. به عبارتی، رشد اقتصادی به سرمایه‌گذاری بیشتر و سرمایه‌گذاری بیشتر به انباشت سرمایه بیشتر نیازمند است که بر این اساس، انباشت سرمایه موتور محرکه توسعه و از جمله توسعه اقتصادی است که کنش آن طی سه فرآیند عملی می‌گردد: *اول، خلق ارزش اضافی از طریق کاربرد فنون و افزایش بهره‌وری؛ دوم، تبدیل سرمایه به دارایی ثابت از طریق ایجاد محیط مصنوع در*

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

جهت سودیابی بیشتر؛ و سوم، افزایش ظرفیت تولید با واسطه سرمایه‌گذاری در علوم و تکنولوژی با هدف اتصال علوم به تولید، سرمایه‌گذاری در هزینه‌های اجتماعی در راستای افزایش ظرفیت تولیدی نیروی انسانی و سرمایه‌گذاری در جذب، ادغام و کنترل نیروی کار (هاروی،۱۳۸۷: ۲۸-۵۲).

وقوع انباشت سرمایه در بسترهای تاریخی و جغرافیایی است که صورت گرفته و فرم‌های خاص فضایی را نیز به وجود می‌آورد؛ به‌گونه‌ای که بنا به اعتقاد هاروی، «روند سرمایه عامل اصلی تولید و تحول فضاست». فرآیندهای مادی و فعالیت‌هایی که پایه شیوه تولید و بازتولید اجتماعی را می‌سازد، تعیین کننده نوع فضای تولیدی است؛ بنابراین، فرم فضا بیانگر شیوه تولید و آرمان‌های فرهنگی جامعه است (ژیلنیتس،۱۳۹۳). به منظور کاهش هزینه‌های گردش سرمایه و افزایش دسترسی به نیروی کار، بازار و مواد خام، مکان‌های خاصی (نظیر مراکز شهری بزرگ) مورد توجه سرمایه و سرمایه‌گذار قرار می‌گیرد و زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی آنجا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این روند به گسترش ناموزون و نابرابر نواحی جغرافیایی منجر می-شود.

طرح این مسئله که *"چگونه نیازها و گردش انباشت سرمایه در سرمایه‌گذاری و ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی سکونتگاه‌های انسانی و مناطقی که به طور مستقیم به وسایل تولید مرتبط هستند، اثری منطقی دارد؟"* ضمن بازنمایی اصل «تجلی فضایی اقتصاد و وضعیت آن» (Fair,1982:8)، بر زمینه‌ی خلق و بسط مفهومی «اقتصاد فضا» دامن می‌زند (عباس بیگی،۱۳۹۳). اقتصاد فضا، به توزیع فضایی فعالیت‌های یک اقتصاد و جریان فضایی کالا و جمعیت (Small and Witherick,1990:213) یا به تعبیر دیگر، به الگوی مکانی یک اقتصاد همانند توزیع و محل فعالیت‌های تشکیل دهنده آن و جریان‌های مکانی که بخش اساسی آن اقتصاد را تشکیل می‌دهد، نظیر روند کالا به مقصد مصرف‌کنندگان، حرکت مصرف‌کنندگان به مکان‌های مرکزی و جریان فرآورده‌های زراعی به سوی بازارها اطلاق می‌شود (سیف‌الدینی،۱۳۹۰: ۳۷۲). در واقع اقتصاد فضا به تحلیل فضایی داده‌های اقتصادی با تأکید بر دو مؤلفه همبستگی و ناهمگونی که ذاتی داده‌های محیطی بوده، می‌پردازد (Anselin, 1988). بدین‌سان، گفته شده که اقتصاد فضا یکی از بحث‌های اساسی در خصوص وجود و توسعه نیروهای تولید (توان تولیدی) در یک منطقه معین است که به نوعی هدف آن تحلیل توزیع و پراکنش عناصر گوناگون اقتصاد در فضای جغرافیایی است (Niebuhr,2001; Schaffer,1999; Anselin & Bera,1998). بر این اساس می‌توان گفت بنیان تحلیلی در اقتصاد فضا بر پایه تفاوت‌های منطقه-ای است.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

از نظر ایزارد[1] تئوری اقتصاد فضا به آرایش فضایی فعالیت‌های اقتصادی با توجه به توزیع جغرافیایی داده-ها و نهاده‌ها و همچنین تغییرات هزینه و قیمت می‌پردازد (Johnston et all,1998:575-576). ایرادی که به نظریه‌های کلاسیکی و نئوکلاسیکی وارد می‌شود، این است که در نظریه‌های بسط یافته، نقش ابعاد فضایی در تحلیل‌های اقتصاد منطقه کمتر دیده شده است (بانوئی و بزازان،۱۳۸۵: ۸۹-۱۱۴). از نظر هاگت، جریان‌های فضایی در ناحیه بر اساس حرکت پول، کالا و افراد شکل می‌گیرد(Douglass,1998:11-13). هاروی معتقد است که جهان هرگز زمین بازی یکدستی نبوده است که انباشت سرمایه خارج از سرنوشت خود در آن عمل کرده باشد. جهان همیشه مکان پر نقش و نگار تمایزات زیست محیطی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. جریان سرمایه در مراحل متفاوت رشد، بعضی نواحی را آسان‌تر به اشغال خود در می‌آورد که در این میان، صورت‌بندی‌های اجتماعی نیز در آن اثر دارد. انباشت اولیه می‌تواند در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت اتفاق افتد؛ اما این که چگونه و کجا انباشت اولیه رخ می‌دهد، به شرایط محلی وابسته است (هاروی،۱۳۸۶: ۷۶). تصمیم‌گیری صاحبان سرمایه با توجه به عواملی چون نزدیکی به بازار (مردم) و منابع، هزینه‌های تولید و هزینه‌های حمل‌ونقل، دسترسی به اطلاعات و اختراعات در انتخاب مکان سرمایه‌گذاری، فعالیت‌های اقتصادی، استقرار جمعیت و در نتیجه تولید فضاهای مختلف شکل می‌گیرد (هیگینز و ساویه،۱۳۸۸:۱۵-۱۶). در نتیجه تولید فضا، هم سیاسی و هم اقتصادی است که نمی‌توان آن را جدا از روابط اجتماعی دید. از نظر اقتصادی و کارکرد سرمایه، امروزه بازار زمین و مستغلات به ابزاری قاطع تبدیل شده است که فرآیند انباشت سرمایه از طریق آن توسعه و سازمان می‌یابد و فرم‌های خاص فضایی را خلق می‌کند (عباس‌بیگی،۱۳۹۳).

تحقیقات مؤید آن است که در کشورهای کم رشد و نفتی، به دلایل مختلفی چون عوامل طبیعی توجیه-گر نظام‌های اقتدارگرا، عوامل انسانی، عوامل خارجی، خودکامگی‌ها و شکل‌گیری دولت‌های رانتی متکی به درآمدهای نفتی، توسعه صنعتی- اقتصادی رخ نمی‌دهد، با تزریق درآمدهای نفتی، ساختاری شبه پسا-صنعت[2] ناهمگون، غیرکارآ و فاقد اندیشه‌ای منسجم شکل می‌گیرد و بخش خدمات رشد سریعی پیدا می‌کند (اطاعت و همکاران،۱۳۹۲:۸۰).

۳) روش تحقیق

این تحقیق دارای رویکردی بنیادی است که از حیث ماهیت و روش، توصیفی – تحلیلی می‌باشد. گردآوری داده‌های مورد نیاز با انجام مطالعات اسنادی و بهره‌گیری از پایگاه داده‌ی سازمان‌هایی چون مرکز

[1] Izard
[2] Pseudo Post-Industrial

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

آمار ایران صورت پذیرفته است؛ به‌گونه‌ای که رقم‌های مربوط به میزان درآمد ناخالص داخلی (اعم از رقم‌های ارائه شده با احتساب نفت و بدون احتساب نفت) و ارزش افزوده تولید شده در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۰ در مقیاس کل کشور و استانی از مجموع حساب‌های منطقه‌ای استخراج گردید و برای فراهم‌سازی امکان مقایسه داده‌ها در سنوات مختلف و همچنین خنثی نمودن اثر تورم سالیانه، رقم‌های ذکر شده به کمک شاخص قیمت کالا و خدمات در سال پایه ۱۳۹۰ تعدیل شده است. به‌منظور تحلیل داده‌ها و پیشبرد هدف تحقیق، هم از شاخص‌ها و آزمون‌های آمار کلاسیک و هم آمار فضایی استفاده شده است. در روش تحلیل آمار کلاسیک از همبستگی پیرسون و به منظور سنجش و پویش خودهمبستگی فضایی شاخص‌های تحقیق از آماره‌ی موران محلی[1] و بیضوی انحراف استاندارد[2] در محیط نرم‌افزارهای SPSS و GIS بهره‌گیری شده است.

۴) یافته‌های تحقیق

پایش جریان انباشت سرمایه در ایران مؤید این واقعیت است که سازوکارهای متعددی با استفاده از سلب مالکیت جمعی به انباشت نوعی سرمایه در جامعه منجر گردیده که از سوی برخی اقتصاددانان (واضحی،۱۳۹۲: ۴۳) "انباشت غیرسرمایه‌دارانه" خوانده شده است؛ یکی از سازوکارها، *"خصوصی‌سازی دارایی‌های دولتی و واگذاری ثروت همگانی به افراد حقیقی و حقوقیِ غیردولتی"* بوده است که در دوره اجرای خصوصی‌سازی در ایران (از سال ۱۳۷۰ تا پایان سال۱۳۹۰)، ثروتی با ارزش اسمی۱۰۰۰ تریلیون ریال را از بخش دولتی به هویت‌های حقیقی یا حقوقی غیردولتی انتقال داده است (اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، ۱۳۹۱:۱۶-۲۷). *"ایجاد انواع بانک‌ها و مؤسسه‌های پولی و اعتباری در بازارهای متشکل و غیرمتشکل پولی و افزایش نقدینگی"* به‌عنوان سازوکار دیگر انباشت سرمایه قابل ذکر است؛ به‌طوری که حجم نقدینگی طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ بیش از هشت برابر افزایش یافته است (معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی،۱۳۹۲). *"الگوی توزیع اعتبار در شبکه‌ی بانکی"* که طبقات فرودست‌تر اجتماعی کمترین دسترسی را به تسهیلات شبکه‌ی بانکی دارند، به همراه *"سیاست‌های بازتوزیعی دولت"* که در سیاست‌های مالیاتی، گمرکی و نیز نحوه‌ی توزیع مخارج دولت بازتاب می‌یابد، از دیگر سازوکارهای انباشت سرمایه در ایران بوده است که می‌توان برشمرد (مالجو،۱۳۹۳).

اتخاذ و پیگیری سازوکارهای یاد شده، مسبب دگرش‌های قابل ملاحظه‌ای در ابعاد فضایی اقتصاد ایران شده است؛ به گونه‌ای که بررسی تغییرات میزان درآمد ناخالص داخلی کشور (با احتساب نفت) در سال‌های

[1] Anselin Local Morans I
[2] Standard Deviational Ellipse

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

۹۰-۱۳۷۹مؤید آن است (جدول ۱) که در ۱۲ سال یاد شده، میزان رشد متوسط سالیانه حدود ۷ درصد بوده است. در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ رقم درآمد ناخالص داخلی منفی و دارای کمترین میزان رشد بوده است. نفت به عنوان عنصری برجسته در اقتصاد و شاخص‌های اقتصادی خرد و کلان کشور از اثرات خاصی برخوردار است؛ روند تغییرات میزان درآمد ناخالص کشور با احتساب نفت طی دوره‌ی مزبور افت و خیزهای بیشتری در قیاس با روند تغییرات درآمد ناخالص کشور بدون احتساب نفت نشان می‌دهد که تشدید وابستگی رقم درآمد و تولید ناخالص داخلی ایران به جریانات و فضای اقتصادی خارج از مرزهای جغرافیایی است و به تبع، مسبب چالش‌سازی در نظام برنامه‌ریزی، اعتبارات و بودجه‌ریزی سنواتی کشور می‌گردد. همچنین تطبیق روند تغییرات درآمد ناخالص داخلی کشور "با" و "بدون" احتساب نفت در سال‌های ۹۰-۱۳۷۹ مبین این واقعیت است که روز به روز بین رقم درآمد ناخالص داخلی کشور که بدون نفت می‌باشد یا به عبارتی، آنچه که ناشی از تولید و کار واقعی است، با رقم درآمد ناخالص داخلی با احتساب نفت، فاصله بیشتری می‌افتد (شکل ۱). بدین‌سان می‌توان گفت، نفت هم زمینه‌ساز افزایش درآمد ناخالص کشور شده است و هم با ماهیت اقتصادی خود، که دارای تابعیت مکانی نمی‌باشد و از الگوهای سیاسی – اقتصادی داخلی و عمدتاً خارجی تبعیت می‌کند، منجر به برهم‌زدگی نظم مالی و اعتباری برنامه‌ریزی جاری و توسعه‌ای کشور و همچنین نوسانات نامناسب و غیر پیش‌بینی جریان تولید و انباشت سرمایه در کشور گردیده است.

جدول شماره (۱): میزان درآمد ناخالص داخلی (با/بدون احتساب نفت) در سال‌های ۹۰-۱۳۷۹

سال	میزان درآمد ناخالص (میلیون ریال)	رقم تعدیل شده درآمد ناخالص (میلیون ریال)*	رشد سالیانه (٪)	میزان درآمد ناخالص (میلیون ریال)	رقم تعدیل شده درآمد ناخالص (میلیون ریال)*	رشد سالیانه (٪)
	با احتساب نفت			*بدون احتساب نفت*		
۱۳۷۹	۶۳۰۰۳۸۶۲۳	۳۰۰۱۶۱۳۲۵۸	-	۵۱۲۳۴۰۲۰۰	۲۴۴۰۸۷۷۵۶۱	-
۱۳۸۰	۷۳۳۹۰۸۹۸۲	۳۱۳۹۰۴۶۱۱۶	۴,۶	۶۱۴۱۷۶۶۷۶	۲۶۲۶۹۳۱۸۸۹	۷,۶
۱۳۸۱	۹۵۴۲۴۰۲۷۳	۳۵۲۵۰۸۴۱۲۸	۱۲,۳	۷۷۸۸۵۶۴۵۴	۲۸۷۷۱۹۴۱۴۰	۹,۵
۱۳۸۲	۱۱۸۹۲۸۶۸۷۹	۳۷۹۸۴۲۵۰۳۶	۷,۸	۹۶۵۷۵۷۱۳۱	۳۰۸۴۵۰۰۵۷۸	۷,۲
۱۳۸۳	۱۵۵۴۸۱۰۸۹۴	۴۳۱۰۵۳۷۵۴۹	۱۳,۵	۱۲۳۱۵۱۳۰۳۷	۳۴۱۴۲۳۰۷۶۵	۱۰,۷
۱۳۸۴	۱۹۴۱۱۸۷۵۸۴	۴۸۷۷۳۵۵۷۳۹	۱۳,۱	۱۵۰۱۳۲۰۴۰۶	۳۷۷۲۱۶۱۸۲۴	۱۰,۵
۱۳۸۵	۲۳۸۲۶۷۴۸۱۸	۵۳۵۰۷۱۸۲۰۸	۹,۷	۱۸۵۸۸۳۹۹۶۹	۴۱۷۴۳۵۴۲۹۸	۱۰,۷
۱۳۸۶	۳۰۷۲۶۱۵۴۳۹	۵۸۲۵۹۶۷۸۴۰	۸,۹	۲۳۷۰۸۰۶۱۹۲	۴۴۹۵۲۷۱۵۰۵	۷,۷
۱۳۸۷	۳۶۵۵۱۹۵۴۷۲	۵۵۲۸۱۲۳۸۲۳	-۵,۱	۲۹۳۲۶۰۱۴۷۳	۴۴۳۵۲۷۱۴۳۵	-۱,۳
۱۳۸۸	۳۸۹۴۲۲۳۷۷۸	۵۳۱۷۷۹۸۴۱۳	-۳,۸	۳۲۹۶۵۷۹۴۷۶	۴۵۰۱۶۷۸۹۲۴	۱,۵
۱۳۸۹	۴۸۵۴۱۴۰۵۵۱	۵۸۹۷۳۸۸۵۹۳	۱۰,۹	۴۰۰۸۵۸۸۵۶۳	۴۸۷۰۱۱۱۲۴۲	۸,۲
۱۳۹۰	۶۲۲۵۶۵۹۷۳۸	۶۲۲۵۶۵۹۷۳۸	۵,۶	۵۰۰۸۹۵۶۸۷۳	۵۰۰۸۹۵۶۸۷۳	۲,۹
میانگین	۲۵۹۰۶۶۵۲۵۳	۴۷۳۳۱۴۳۲۰۳	۷,۰	۲۰۹۰۰۲۸۰۳۷	۳۸۰۸۴۶۱۷۵۳	۶,۸

منبع: مرکز آمار ایران،۱۳۹۳؛ محاسبات تحقیق،۱۳۹۳.

* تعدیل شده بر پایه قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

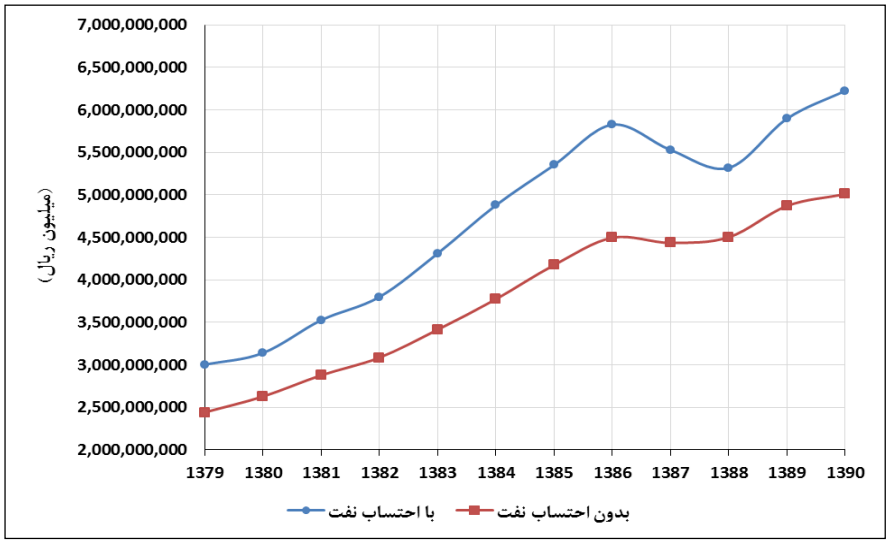

شکل شماره (۱): نمودار تطبیقی تغییرات درآمد ناخالص داخلی (تعدیل شده) در سال‌های ۹۰-۱۳۷۹

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳

روند تغییرات میزان ارزش افزوده کشور طی سال‌های ۹۰-۱۳۷۹ نشان می‌دهد (جدول ۲) میانگین سالیانه تغییرات و رشد این شاخص کلان اقتصادی برابر ۵,۲ درصد بوده است. در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸، به تبعیت از الگوی تغییرات روند درآمد ناخالص داخلی کشور، می‌توان شاهد رشد منفی ارزش افزوده بود. بیشترین درصد رشد سالیانه ارزش افزوده در کشور متعلق به سال ۱۳۸۳ بوده است. همچنین الگوی کلی تغییرات، حاکی از نبود آهنگ یکنواخت رشد ارزش افزوده می‌باشد. بدین‌سان می‌توان گفت تولید ثروت در کشور چندان یکنواخت نبوده که به نوعی مؤید میزان توجه یا عدم توجه به تولید و وجود زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و روحیه تولیدگری در جامعه بوده است.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

جدول شماره (۲): میزان ارزش افزوده کل بخش‌های اقتصادی کشور به قیمت جاری در سال‌های ۹۰-۱۳۷۹

سال	ارزش افزوده (میلیون ریال)	رقم تعدیل شده ارزش افزوده (میلیون ریال)*	رشد سالیانه (٪)
۱۳۷۹	۲۴۹۰۷۱۴۰,۲۴	۱۱۸۶۶۱۹۳۵	-
۱۳۸۰	۲۸۸۸۶۰۶۱,۲۶	۱۲۴۰۰۰۰۰۰	۴,۵
۱۳۸۱	۳۷۳۴۲۴۲۵,۶۵	۱۳۸۰۰۰۰۰۰	۱۱,۳
۱۳۸۲	۴۴۴۴۷۸۰۵,۲	۱۴۲۰۰۰۰۰۰	۲,۹
۱۳۸۳	۵۷۸۵۴۴۴۲,۲۴	۱۶۰۳۹۴۹۰۵	۱۳,۰
۱۳۸۴	۶۸۴۳۶۵۸۱,۸۴	۱۷۱۹۵۱۲۱۰,۷	۷,۲
۱۳۸۵	۸۳۴۰۴۴۸۷,۹۹	۱۸۷۲۹۹۵۴۶	۸,۹
۱۳۸۶	۱۰۵۹۵۵۶۳۷,۷	۲۰۱۰۰۰۰۰۰	۷,۳
۱۳۸۷	۱۲۶۴۰۲۴۸۷,۵	۱۹۱۰۰۰۰۰۰	-۵,۰
۱۳۸۸	۱۳۸۴۱۳۰۹۵,۸	۱۸۹۰۰۰۰۰۰	-۱,۰
۱۳۸۹	۱۵۸۲۲۰۸۴۳,۹	۱۹۲۰۰۰۰۰۰	۱,۶
۱۳۹۰	۲۰۴۲۶۹۰۳۸	۲۰۴۰۰۰۰۰۰	۶,۳
میانگین	*۸۹۸۷۸۳۳۷,۲۸*	*۱۶۸۲۷۵۶۳۳,۱*	۵,۲

منبع: مرکز آمار ایران،۱۳۹۳؛ محاسبات تحقیق،۱۳۹۳

* تعدیل شده بر پایه قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰

بر اساس تجربیات جهانی، صنعت به‌عنوان یکی از بخش‌های اقتصادی جوامع پیشرفته دنیا، در کانون تحولات لازم برای نیل به توسعه اقتصادی و جامع قرار دارد. عایدات اقتصادی از بخش صنعت که بازتاب آن در قالب شاخص‌هایی همچون ارزش افزوده این بخش بنیادی در توسعه تفسیر می‌گردد، منوط به عوامل عدیده‌ای نظیر میزان توجه سیاستی و مالی نظام برنامه‌ریزی به صنعت و همچنین میزان روزآمدی و کارآمدی بخش صنعت می‌باشد. بررسی روند تغییرات ارزش افزوده بخش صنعت در سال‌های ۹۰-۱۳۷۹ حاکی است (جدول ۳) میانگین سالیانه رشد ارزش افزوده بخش صنعت ۷,۴ درصد بوده است؛ در حالی که دامنه تغییرات این رشد بین ۱۵,۴- درصد تا ۲۷,۷ درصد در نوسان بوده، می‌توان اذعان داشت به سبب عدم آهنگ یکنواخت رشد و استیلای الگوی افت‌وخیز شدید در روند رشد ارزش افزوده ناشی از بخش صنعت، در معنای واقعی این بخش (صنعت) در فرآیند رشد اقتصادی قرار نگرفته است. همچنین تطبیق الگوی روند تغییرات ارزش افزوده بخش صنعت با تغییرات ارزش افزوده کل بخش‌های اقتصادی (شکل ۲) نشان می‌دهد که نوع نوسانات در هر دو الگو یکسان می‌باشد، در حالی که دامنه تغییرات مربوط به الگوی ارزش افزوده بخش صنعت بیشتر است.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

جدول شماره (۳): میزان ارزش افزوده تولید شده در بخش صنعت در سال‌های ۹۰-۱۳۷۹

سال	ارزش افزوده (میلیون ریال)	رقم تعدیل شده ارزش افزوده (میلیون ریال)*	رشد سالیانه (٪)
۱۳۷۹	۵۰۷۳۷۸۰	۲۴۱۷۲۳۶۹	-
۱۳۸۰	۵۵۸۰۲۲۸	۲۳۸۶۷۵۲۸	-۱,۳
۱۳۸۱	۸۲۵۱۰۳۵	۳۰۴۸۰۳۶۵	۲۷,۷
۱۳۸۲	۹۴۸۳۳۱۱	۳۰۲۸۸۴۴۲	-۰,۶
۱۳۸۳	۱۵۱۰۸۹۴۵	۴۱۸۸۷۸۴۴	۳۸,۳
۱۳۸۴	۱۴۸۸۹۸۰۴	۳۷۴۱۱۵۶۸	-۱۰,۷
۱۳۸۵	۱۶۸۸۲۶۲۰	۳۷۹۱۲۹۱۳	۱,۳
۱۳۸۶	۲۴۵۴۶۱۳۳	۴۶۵۴۱۷۷۷	۲۲,۸
۱۳۸۷	۲۶۰۱۹۶۴۳	۳۹۳۵۲۱۵۳	-۱۵,۴
۱۳۸۸	۲۶۵۲۷۵۲۴	۳۶۲۲۴۹۴۱	-۷,۹
۱۳۸۹	۳۰۴۱۲۱۶۹	۳۶۹۴۸۳۲۸	۲,۰
۱۳۹۰	۴۶۳۲۰۰۵۳	۴۶۳۲۰۰۵۳	۲۵,۴
میانگین	*۱۹۰۹۱۲۷۱*	*۳۵۹۵۰۶۹۰*	*۷,۴*

منبع: مرکز آمار ایران،۱۳۹۳؛ محاسبات تحقیق،۱۳۹۳.

* تعدیل شده بر پایه قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰

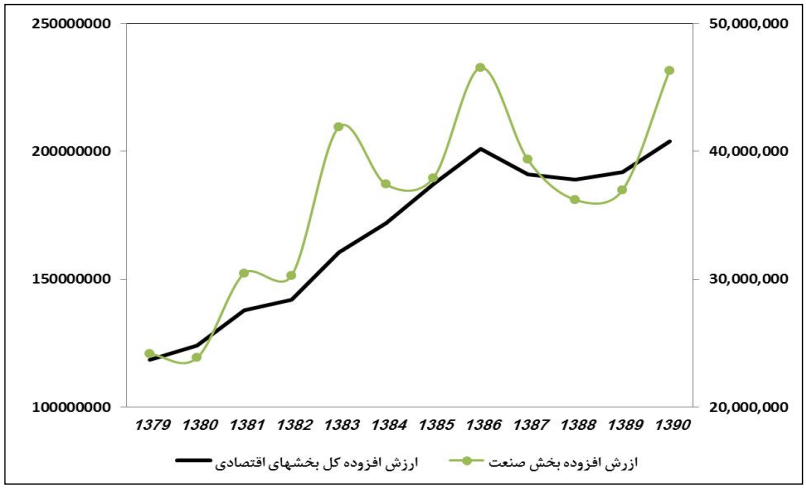

شکل شماره (۲): تطبیق روند تغییرات ارزش افزوده بخش صنعت نسبت به میزان کل کشور در سال‌های ۹۰-۱۳۷۹(میلیون ریال)

میزان توجه نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کشور به بخش صنعت در قالب سهم اعتبارات بخش صنعت و معدن در بودجه‌های سنواتی کشور، حاکی از این واقعیت است (جدول ۴) که پیوسته در طول دوره مورد بررسی، آهنگ توجه به بخش صنعت در بودجه یکنواخت بوده است و تنها در سال ۱۳۸۹ سهم اعتبارات این بخش در قیاس با سایر سال‌ها افزایش چشمگیری داشته است. این در صورتی است که زیربخش‌های صنعت و معدن در بودجه سنواتی، تنها حوزه‌های مولد اقتصادی را شامل نمی‌گردد بلکه از جمع ارقام مربوط

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

به ردیف‌هایی چون برنامه‌های برنامه‌ریزی آموزشی، پژوهش و تدوین استاندارد، ترویج و اطلاع رسانی، برنامه-های راهبری صدور و ابطال پروانه‌ها، مجوزه‌ها و اخذ حقوق دولتی، برنامه‌های نظارت بر اجرای استاندارد و برنامه‌های مقاوم‌سازی ساختمان‌ها حاصل آمده است. همچنین ادامه روند تخصیص اعتبار به بخش صنعت و معدن در بودجه‌های سنواتی از سال ۱۳۸۹ به بعد نیز نشان می‌دهد که خط رشد، دارای شیب چندانی نمی-باشد و حرکتی به مثابه الگوی پیش از سال ۱۳۸۹ داشته است (شکل ۳). از این رو، با توجه به الگوی تغییرات می‌توان گفت بخش صنعت کشور چندان از توجه لازم و مناسب نظام برنامه‌ریزی در امر سرمایه-گذاری برای تقویت توان رقابت‌پذیری و کارآیی آن برخوردار نگردیده که به سبب نقش اساسی بخش صنعت در تولید ثروت، کمک به انباشت سرمایه و تقویت اقتصاد فضا، این بخش نیازمند توجه جدی می‌باشد؛ چرا که به طور مثال، طی دوره مورد بررسی در سال ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ رکود در رشد درآمد ناخالص داخلی و تولید ارزش افزوده در کشور صورت گرفته است. در پی توجه به بخش صنعت و شتاب آنی سرمایه‌گذاری‌ها و اعتبارات تخصیص یافته دولتی به این بخش، رشد مجدد و مثبت شاخص‌های مذکور را صورت گرفته که به نوعی مؤید نقش مثمر صنعت در تولید ارزش افزوده و کمک به چرخه انباشت سرمایه می‌باشد.

جدول شماره (۴): سهم بخش صنعت و معدن در بودجه سنواتی کشور در سال‌های ۹۰-۱۳۸۵

سال	بودجه کل (میلیون ریال)	اعتبارات بخش صنعت و معدن (میلیون ریال)	سهم صنعت و معدن از بودجه کل (٪)
۱۳۹۰	۵۰۸۳۹۳۸۷۲۹	۷۷۲۳۷۶۵	۰,۱۵
۱۳۸۹	۳۶۸۴۷۰۳۴۹۱	۶۱۸۱۶۳۳	۰,۱۷
۱۳۸۸	۲۷۹۱۸۲۸۸۳۳	۸۲۲۳۸۳	۰,۰۲۹
۱۳۸۷	۲۹۰۲۱۰۴۵۸۲	۶۳۳۳۸۳	۰,۰۲۲
۱۳۸۶	۲۳۱۶۸۵۶۵۵۹	۴۷۴۲۷۷	۰,۰۲۰
۱۳۸۵	۱۹۱۵۱۰۵۰۷۲	۳۱۵۱۷۱	۰,۰۱۶

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵؛۱۳۸۶؛۱۳۸۷؛۱۳۸۸؛۱۳۸۹و۱۳۹۰.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

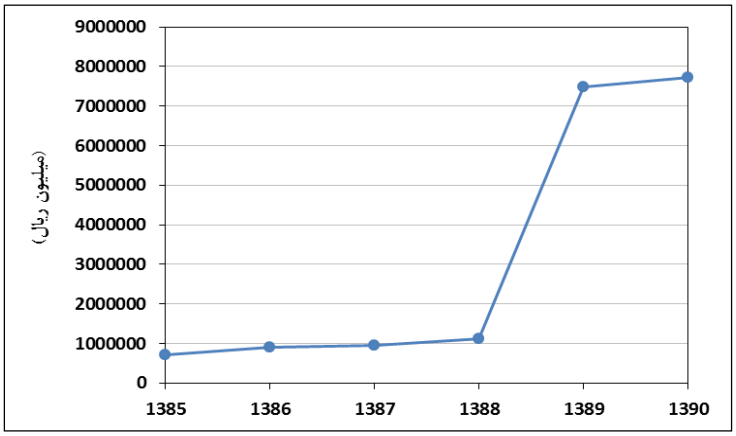

شکل شماره (۳): روند تغییرات اعتبارات تخصیص یافته به بخش صنعت و معدن در بودجه سال‌های ۹۰-۱۳۸۵

بررسی مکانی – فضایی درآمد ناخالص داخلی کشور (بدون احتساب نفت) به تفکیک استان‌ها در سال-های ۹۰-۱۳۷۹ (جدول ۵) نشان می‌دهد بیشترین میانگین رشد سالیانه در طول دوره در استان‌های یزد و بوشهر بوده است. همچنین یافته‌ها حاکی است اکثر نواحی، رشد منفی نیز تجربه نموده‌اند. از حیث تولید ارزش افزوده در مناطق کشور طی سال‌های ۹۰-۱۳۷۹ بررسی‌ها نشان می‌دهد (جدول ۶) استان‌های بوشهر، ایلام و یزد بیشترین میانگین رشد سالیانه را داشته است. در مجموع یافته‌ها بیانگر این واقعیت است که میان نواحی نابرابری عمیقی وجود دارد و ظرفیت مناطق مختلف جغرافیایی در تولید ثروت و چرخه انباشت ثروت ناشی از تولید (بدون احتساب نفت) متفاوت است و در مقاطع مختلف زمانی، شدت این جریان نوسان دارد.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

جدول شماره (۵): درصد رشد درآمد ناخالص داخلی تعدیل شده استان‌ها (بدون نفت) در سال‌های ۹۰-۱۳۷۹

سال	میانگین رشد سالیانه	انحراف از معیار	حداقل	حداکثر
آذربایجان شرقی	۵	۵	-۵	۱۳
آذربایجان غربی	۶	۵	-۲	۱۵
اردبیل	۶	۴	-۱	۱۲
اصفهان	۷	۷	-۶	۱۸
البرز*	۰	۰	۰	۰
ایلام	۹	۷	-۲	۲۰
بوشهر	۱۸	۱۸	-۲	۵۹
تهران	۶	۷	-۱۲	۱۲
چهارمحال و بختیاری	۸	۵	-۱	۱۸
خراسان جنوبی**	۵	۱۱	-۱۰	۲۴
خراسان رضوی	۶	۶	-۸	۱۱
خراسان شمالی**	۳	۱۰	-۱۰	۲۲
خوزستان	۵	۸	-۷	۱۸
زنجان	۷	۷	-۳	۱۸
سمنان	۹	۷	۱	۲۶
سیستان و بلوچستان	۸	۹	۱	۳۱
فارس	۷	۵	-۵	۱۴
قزوین	۵	۵	-۲	۱۴
قم	۷	۵	-۳	۱۳
کردستان	۷	۶	-۵	۱۵
کرمان	۶	۱۲	-۱۹	۲۵
کرمانشاه	۹	۴	۰	۱۴
کهگیلویه و بویراحمد	۷	۹	-۱۱	۲۵
گلستان	۵	۵	-۴	۱۱
گیلان	۵	۵	-۳	۱۲
لرستان	۶	۶	-۷	۱۵
مازندران	۶	۴	-۱	۱۲
مرکزی	۵	۷	-۷	۲۰
هرمزگان	۶	۸	-۸	۲۴
همدان	۷	۶	-۸	۱۷
یزد	۱۲	۱۱	-۱	۳۹

* استان البرز از سال ۱۳۹۰ به عنوان یک واحد استانی مستقل درآمده است، از این رو آمار دوره‌های قبلی برای انجام محاسبات در اختبار نمی‌باشد. / ** آمار این استان‌ها با توجه به تقسیم شدن خراسان بزرگ به سه استان در سال ۱۳۸۳، از این سال محاسبه شده است./ منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳؛ محاسبات تحقیق، ۱۳۹۳.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

جدول شماره (۶): درصد رشد ارزش افزوده تعدیل شده استان‌ها در سال‌های ۹۰-۱۳۷۹

استان	میانگین رشد سالیانه	انحراف از معیار	حداقل	حداکثر
آذربایجان شرقی	۵	۵	-۵	۱۳
آذربایجان غربی	۶	۶	-۲	۱۶
اردبیل	۶	۴	-۱	۱۲
اصفهان	۸	۷	-۷	۱۸
البرز*	۰	۰	۰	۰
ایلام	۱۵	۲۵	-۱۶	۶۵
بوشهر	۲۵	۴۴	-۲۲	۱۵۰
تهران	۶	۶	-۱۰	۱۲
چهارمحال و بختیاری	۷	۵	۰	۱۹
خراسان جنوبی**	۵	۱۱	-۱۱	۲۴
خراسان رضوی	۵	۶	-۸	۱۱
خراسان شمالی**	۳	۱۰	-۱۱	۲۲
خوزستان	۷	۱۵	-۲۰	۲۶
زنجان	۷	۷	-۳	۱۹
سمنان	۹	۷	۱	۲۵
سیستان و بلوچستان	۷	۸	-۱	۲۸
فارس	۷	۶	-۷	۱۶
قزوین	۵	۶	-۲	۱۶
قم	۷	۵	-۳	۱۳
کردستان	۷	۶	-۵	۱۵
کرمان	۶	۱۲	-۱۸	۲۵
کرمانشاه	۹	۴	۱	۱۴
کهگیلویه و بویراحمد	۱	۱۷	-۲۳	۲۸
گلستان	۵	۵	-۴	۱۱
گیلان	۵	۵	-۳	۱۱
لرستان	۶	۶	-۶	۱۵
مازندران	۶	۴	-۱	۱۳
مرکزی	۶	۷	-۷	۱۶
هرمزگان	۸	۱۰	-۸	۲۷
همدان	۷	۶	-۸	۱۶
یزد	۱۱	۱۱	۰	۳۹

* استان البرز از سال ۱۳۹۰ به عنوان یک واحد استانی مستقل درآمده است، از این رو آمار دوره‌های قبلی برای انجام محاسبات در اختبار نمی‌باشد. / ** آمار این استان‌ها با توجه به تقسیم شدن خراسان بزرگ به سه استان در سال ۱۳۸۳، از این سال محاسبه شده است./ منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳؛ محاسبات تحقیق، ۱۳۹۳.

تولید ثروت و تکاپوی اقتصاد برای تشدید انباشت سرمایه ناشی از ترکیب بهینه و عقلایی عوامل متعددی است که یکی از عوامل اساسی، جمعیت می‌باشد. بررسی ارتباط میان میزان جمعیت مناطق کشور با دو شاخص درآمد ناخالص داخلی و تولید ارزش افزوده نشان داد (جدول ۷ و۸) بین متغیرهای یاد شده ارتباط

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

مستقیم و معناداری وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که سطح همبستگی بین جمعیت با درآمد ناخالص داخلی برابر ۰,۹۳۹ و همبستگی بین جمعیت با ارزش افزوده برابر ۰,۸۹۷ می‌باشد. از این رو می‌توان گفت سطح ارتباط میان جمعیت و شاخص‌های اقتصادی یاد شده قوی است. به این معنی که نواحی خاصی از کشور، بیشترین توان جمعیت‌پذیری را داشته و به تبع آن، بیشترین مقدار امکانات اقتصادی کشور را جذب کرده است. مسلم است که چنین نابرابری ناشی از تفاوت‌های ناحیه‌ای نبوده، بلکه برنامه‌ریزی توسعه و سازمان فضایی موجود، این وضعیت نابرابری را به نواحی مختلف کشور تحمیل کرده است.

جدول شماره (۷): همبستگی بین جمعیت و درآمد ناخالص داخلی استان‌ها (بدون نفت)

		درآمد ناخالص داخلی استان‌ها
جمعیت	ضریب همبستگی پیرسون	**۰,۹۳۹
	Sig. (2-tailed)	۰,۰۰۰
	N	۳۱

** همبستگی در سطح ۰,۰۱ خطا معنی‌داری می‌باشد.

جدول شماره (۸): همبستگی بین جمعیت و تولید ارزش افزوده استان‌ها

		تولید ارزش افزوده
جمعیت	ضریب همبستگی پیرسون	**۰,۸۹۷
	Sig. (2-tailed)	۰,۰۰۰
	N	۳۱

** همبستگی در سطح ۰,۰۱ خطا معنی‌داری می‌باشد.

همان گونه که "فیر" می‌گوید: «اقتصاد دارای بعد و تجلی فضایی است» (Fair,1982:8) و با تحلیل فضایی شاخص‌های اقتصادی می‌توان به شناخت جامع‌تری در خصوص مسائل اقتصادی و منطقه‌ای سرزمین دست یازید. بدین‌سان، به‌منظور تکمیل تحلیل و ارزیابی جریان تولید و انباشت ثروت در پهنه‌ی سرزمین ایران، به بررسی خودهمبستگی فضایی شاخص‌های اقتصادی مورد مطالعه (درآمد ناخالص داخلی و ارزش افزوده) در سطح استان‌های کشور پرداخته شده است. به لحاظ مفهومی، *کلارک* خودهمبستگی فضایی را «ارزش صفت‌های مطالعه شده‌ی خود همبسته بیان می‌کند که همبستگی آن‌ها قابل استناد به نظم جغرافیایی پدیده‌هاست». به بیان دیگر، در طبقه‌بندی الگوهای فضایی (خواه خوشه‌ای، پراکنده یا تصادفی) یک صفت خاص، بر چگونگی نظم و ترتیب قرارگیری واحدهای ناحیه‌ای تمرکز می‌شود. یعنی مشابهت و عدم مشابهت هر جفت از واحدهای ناحیه‌ای مجاور را اندازه نموده و این مشابهت و عدم مشابهت‌ها در الگوی فضایی خلاصه می‌گردد که خودهمبستگی فضایی شکل می‌گیرد. خودهمبستگی فضایی قوی به مفهوم این

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

است که ارزش صفات پدیده‌های جغرافیایی به طور قوی با یکدیگر رابطه دارند (خواه قوی یا ضعیف). اگر ضرایب ویژگی پدیدهای جغرافیایی مجاور، ارتباط و نظم ظاهری مشخصی نداشته باشند، گفته می‌شود دارای ارتباط فضایی ضعیف و یا دارای الگوی تصادفی است. خودهمبستگی فضایی ابزار تحلیلی برای چگونگی تغییر الگوهای فضایی از گذشته تا به حال می‌باشد (رهنما و ذبیحی،۱۳۹۰: ۱۷).

مدل‌های متفاوتی برای اندازه‌گیری خودهمبستگی فضایی وجود دارد که در این تحقیق بر مبنای هدف، از شاخص موران محلی برای تشخیص و تحلیل خوشه‌ها یا ناخوشه‌های تولید ارزش افزوده و درآمد ناخالص داخلی در بین استان‌ها استفاده گردید. خروجی مدل نواحی را به چهار دسته کلی تقسیم‌بندی می‌کند: ناحیه High-High Cluster) معرف خوشه و بالا بودن ارزش صفت مورد بررسی در مرکز محدوده و نواحی پیرامونی است؛ ناحیه High-Low Outlier) معرف ناخوشه و بالا بودن ارزش صفت مورد بررسی در مرکز محدوده و پایین بودن ارزش صفت در نواحی پیرامونی است؛ ناحیه Low-High Outlier) معرف ناخوشه که خود محدوده دارای ارزش پایین صفت مورد بررسی بوده و نواحی پیرامونی دارای ارزش بالا می‌باشد؛ ناحیه Low-Low Cluster) معرف خوشه که هم خود محدوده مورد بررسی دارای ارزش پایین صفت مورد بررسی بوده و هم نواحی پیرامونی آن (Zhang et al.,2008:213).

وضعیت خودهمبستگی فضایی درآمد ناخالص داخلی استان‌های کشور و تغییرات آن طی سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۹۰ حاکی است (شکل ۴) که در هیچ کدام از سال‌های یاد شده استان‌های کشور به لحاظ درآمد ناخالص داخلی با یکدیگر هیچ خوشه‌ای (اعم از پرارزش یا کم ارزش) شکل نداده‌اند و استان تهران به‌عنوان کانون تمرکز ثروت و قدرت اقتصادی و سیاسی کشور، همواره به صورت تک قطبی و با فاصله‌ی ارزشی زیادی از حیث شاخص درآمد ناخالص داخلی، بیشترین میزان درآمد ناخالص داخلی را داشته است.

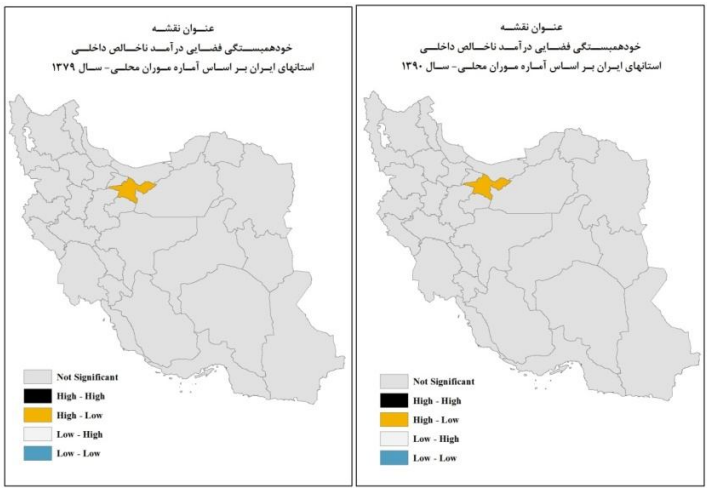

شکل شماره (۴): تطبیق وضعیت خودهمبستگی فضایی درآمد ناخالص داخلی استان‌ها بر اساس آماره موران محلی (۱۳۹۰ و ۱۳۷۹)

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

بررسی چگونگی خودهمبستگی فضایی استان‌های کشور از حیث تولید ارزش افزوده در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۹۰ مؤید این واقعیت است (شکل ۵) که استان تهران در سال ۱۳۷۹ بدون تشکیل خوشه و به صورت تک قطبی، در رأس مناطق به لحاظ تولید ارزش افزوده در کشور قرار داشته است. در سال ۱۳۹۰ علی‌رغم اینکه شاهد تشکیل هیچ گونه خوشه‌ی فضایی تولید ارزش افزوده در هیچ یک از حالات پرارزش یا کم ارزش نبوده‌ایم، اما استان خوزستان در کنار استان تهران، دومین قطب تولید ارزش افزوده کشور را به‌وجود آورده است که علت اصلی آن نیز رشد ارقام نفت در رقم ارزش افزوده محاسبه شده برای این استان می‌باشد.

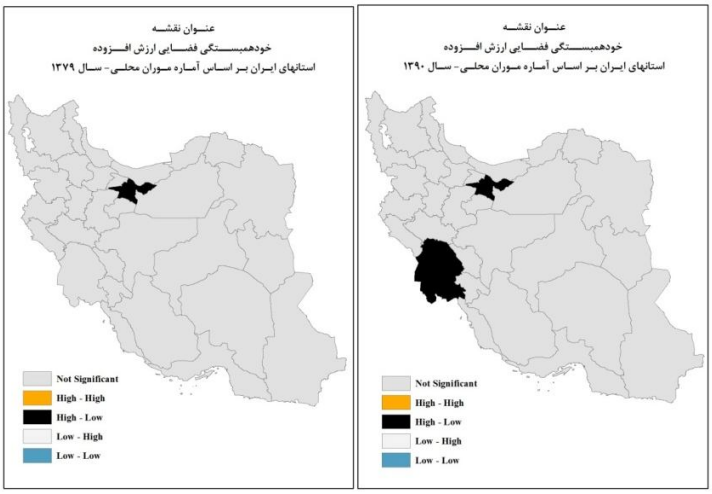

شکل شماره (۵): تطبیق وضعیت خودهمبستگی فضایی ارزش افزوده استان‌ها بر اساس آماره موران محلی (۱۳۹۰ و ۱۳۷۹)

هر الگوی فضایی در گذر زمان تغییر و تحولاتی را متحمل می‌شود. تحلیل تغییرات فضایی به شناسایی روندها می‌انجامد. به‌منظور واکاوی روند خودهمبستگی فضایی شاخص‌های درآمد ناخالص داخلی و ارزش افزوده تولید شده در استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۹۰، از مدل بیضوی انحراف استاندارد استفاده شده است. طبق بررسی‌های صورت گرفته (شکل ۶) در سال ۱۳۷۹ عمده کانون‌های دارای درآمد ناخالص بالا، در منطقه شمال غربی و مرکز کشور بوده است. به مرور زمان و در سال ۱۳۹۰، کشیدگی بیضی تجمع کانون‌های عمده درآمد ناخالص کشور به سمت ربع جنوب غربی بوده است.

به لحاظ ارزش افزوده تولید شده در استان‌های کشور (شکل ۷)، بیضی تجمع کانون‌های عمده‌ی تولید ارزش افزوده در سال ۱۳۷۹ در منطقه شمال غربی و مرکز کشور استقرار داشته است که این بیضی در سال ۱۳۹۰ به سمت ناحیه مرکز و تاحدودی شمال شرق کشیده شده است. بدین‌سان می‌توان گفت، کانون‌های عمده‌ی تولید ثروت کشور در حال جابه‌جایی است اما مرکز کشور و به خصوص با نزدیک شدن به تهران، بر

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

انباشتگی کانون‌های قوی تولید ثروت و سرمایه افزوده می‌شود. از طرف دیگر، نواحی شرقی و جنوب شرقی ایران از تولید ثروت چندانی برخوردار نمی‌باشند.

تحلیل فضایی حساب‌های منطقه‌ای، توزیع جغرافیایی تولید ناخالص داخلی و ارزش افزوده رشته فعالیت‌های اقتصادی نشان می‌دهد که غیر از رشته فعالیت‌های کشاورزی، ماهیگیری و معدن که تولید آن به موقعیت و شرایط جغرافیایی و محیطی خاص بستگی دارد، در بقیه رشته فعالیت‌های اقتصادی تمرکز و نابرابری شدیدی در کشور وجود دارد. این تمرکز و نابرابری به‌طور چشم‌گیری به نفع مجموعه شهری تهران (استان‌های تهران و البرز) رقم خورده است. سهم استان‌هایی که کلانشهرها و شهرهای بزرگ کشور را در بر گرفته‌اند نیز قابل توجه است. همچنین بررسی ضریب جینی و ضریب تمرکز محصول ناخالص داخلی استان‌ها (با و بدون احتساب نفت) و ارزش افزوده رشته فعالیت‌های اقتصادی حاکی از تمرکز و نابرابری شدید آن است. به علاوه، همبستگی بین سهم ارزش افزوده و سهم جمعیت شهری استان‌ها به غیر از رشته فعالیت‌های کشاورزی، ماهیگیری و معدن گویای رابطه بسیار قوی بین تولید ارزش افزوده و تمرکز جمعیت و شهرنشینی است (افراخته و همکاران، ۱۳۹۰).

شکل شماره (۶): بیضی انحراف استاندارد درآمد ناخالص داخلی استان‌ها در سال‌های ۹۰-۱۳۷۹

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

شکل شماره (۷): بیضی انحراف استاندارد ارزش افزوده استان‌ها در سال‌های ۹۰-۱۳۷۹

۵) نتیجه‌گیری

رویه‌ی تحکم یافته بر روند انباشت سرمایه در ایران نشان می‌دهد که کارکردیابی ویژه نفت، با خصوصیاتی چون درهم‌تنیدگی اقتصاد آن با سیاست، در اقتصاد کشور سبب گردیده که چندان پیوستگی تولید مضاعف ثروت در اقتصاد شکل نیابد و اتکای مناسبی نتوان بر قوت جریان تولید ثروت و همچنین انباشت سرمایه، به خصوص در مرحله‌ی مبنایی آن داشت. بدین‌سان می‌توان گفت، انباشت سرمایه در اولین مرحله خود ثابت مانده و به مراحل دوم (ایجاد محیط مصنوعی و صنعت) و سوم (ارتقای کیفیت و توان رقابت‌پذیری از طریق برقراری ارتباط با بخش بهداشت، علوم فنون و دانش فنی) منتهی نشده است. در این راستا، نگاهی به وضعیت صنعت کشور، درک این واقعیت را تعمیق می‌بخشد؛ به‌طور نمونه بر اساس گزارش سال ۱۳۹۲ اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، تعداد ۵۹۳۱ واحد صنعتی در کشور تعطیل گردیده که این میزان ۶۷ درصد کل واحدهای صنعتی کشور بوده است (http://www.eghtesadeiranonline.com). از سوی دیگر نیز، وضعیت روند ایجاد ارزش افزوده بخش صنعت در سنوات مختلف مؤید این واقعیت است که این بخش در تولید ثروت و انباشت سرمایه دارای جایگاه رفیع و نقش‌آفرینی یکنواختی نمی‌باشد؛ چراکه مقوله توسعه صنعتی به معنای واقعی و همه‌جانبه، به سبب عدم اهتمام جدی و پیوسته نظام برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در سنوات مختلف پیگیری نشده است. شاید این ویژگی با موقعیت کشور در اقتصاد جهانی در رابطه باشد، چنانکه قطب‌های مسلط اقتصاد جهانی با توان بالای حفظ امنیت و سودآوری سرمایه، همچون آهن‌ربایی عمل می‌کنند که هر گونه امکانی را برای حفظ ثروت و سرمایه در داخل سایر کشورها باقی نمی‌گذارند. در همین راستا سرمایه‌داری اطلاعاتی و دانش‌محور،

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

چنان انحصاری عمل می‌کند که اکثر کشورهای جهان، توان رقابت با برخی کشورها و شرکت‌های چندملیتی را ندارد.

با توجه به ساخت متمرکز اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران، توزیع فعالیت‌های اقتصادی در پهنه‌ی مکانی - فضایی سرزمین غیرمتوازن می‌باشد (افراخته،۱۳۹۱: ۵۱). بر این اساس، از حیث ظرفیت تولید ثروت و انباشت سرمایه شکاف قابل توجهی بین مناطق مختلف می‌توان دید که یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در کشش‌پذیری و توان تولید ثروت و انباشت سرمایه، مقوله جمعیت و توان جمعیت‌پذیری فضا در کشور است که خود متأثر از نظام برنامه‌ریزی و سازمان فضایی موجود بوده است. سازمان فضایی موجود، فقدان نظام اقتصادی شبکه‌ای و برتری اقتصاد خدماتی و بورژوازی مستغلات، امکان توسعه متوازن کشور را محدود و نابرابری ناحیه‌ای را دامن زده است. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت، آثار فضایی وقفه و ایستایی ممتد در مرحله‌ی اول از سیکل انباشت سرمایه در کشور، به‌صورت تداوم و گاه تشدید نابرابری‌های منطقه‌ای متجلی شده است. بدین‌سان، حصول تعادل فضایی به‌ویژه در بعد اقتصادی برای کشور دور از ذهن است و نیاز به برنامه‌ریزی ویژه برای تفاوت در سرمایه‌گذاری در مناطق مختلف وجود دارد.

۶) منابع

- Abas Begay, A. 2014, **repeating the myth of primitive accumulation**, www.thesis11.com.atricles.aspx: 1-20. (In Persian)
- Afrakhteh, H. 2012, **space economy and rural** development: shaft area case, Journal of Space Economy and Rural Development, No. 1, pp. 54-39. (In Persian)
- Afrakhteh, H., Crami, T. A., & Chegini, R. 2011, **spatial analysis of regional accounts with emphasis on complex of Tehran**, Iran geographers presented at the Eleventh Congress of Shahid Beheshti University. (In Persian)
- Anselin, L. & Bera, A. K. 1998, **Spatial Dependence in Linear Regression Models with an Introduction to Spatial Econometrics**, Springier, Berlin, Heidlburg, NewYork, PP. 21-74.
- Anselin, L. 1988, **Spatial Econometrics, Methods and Models**, Boston, MA, Kluwer Academic.
- Azimi, N. 2005, **regional planning, city and capital accumulation**, Nika publication. (In Persian)
- Banuyi., A. A. and Bazazan, F. 2006, **the role and importance of regional input-output tables to calculate the space economy: a forgotten phenomenon in Iran**, Journal of Iran Economic Research, Vol. 8, No. 27, pp. 89-114. (In Persian)
- Douglass. M. 1998:" **A regional Networks Strategy for Reciprocal Rural- Urban Linkage: an agenda for policy research with reference to Indonesia**", Third world planning review, Vol. 20, No. 1.
- Economic data, 2013, **Economic Deputy Minister of Finance and Economy**. (In Persian)
- Etaat, J., Dzhpasand, F., Dintorkmany, A., Saryalqlam, M., Saraafi, M., Mahmudi, V. & Hadiznuz, B. 2013, **Principles of sustainable development in Iran**, Ney publication, Tehran. (In Persian)
- Fair, T. J. D. 1982, **South Africa: Spatial Frameworks for Development**, Juta, Cape Town.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]

- Harvey, D. 2007, **the class of power, manifest after 150 years**, Translation Hassan Mortazavi, Agah publication. (In Persian)
- Harvey, D. 2008, **the capital city**, Aref Aghvami translate, Akhtaran publication. (In Persian)
- Higgins, B., And Savyh, D. 2009, **Theories of Regional Development**, Translation F. Bazazan, Ney publication. (In Persian)
- http://www.eghtesadeiranonline.com/vdcjyvevyuqetaz.fsfu.htm
- Iran Chamber of Commerce, Industries, Mines & Agriculture, 2012, **examining participation in the privatization process of the economic system in the years 2001 to 2011**, Tehran: Center for Cultural Affairs and publishing. (In Persian)
- Johnston. R.J et al., 1998: **the dictionary of human geography**, third edition. Oxford, Blackwell.
- Majlis Research Center 2006, **the country's 2006 budget law**, observed in the site: *http://rc.majlis.ir/fa[2014.08.17*(In Persian)
- Majlis Research Center 2007, **the country's 2007 budget law**, observed in the site: *http://rc.majlis.ir/fa[2014.08.17*(In Persian)
- Majlis Research Center 2008, **the country's 2008 budget law**, observed in the site: *http://rc.majlis.ir/fa[2014.08.17*(In Persian)
- Majlis Research Center 2009, **the country's 2009 budget law**, observed in the site: *http://rc.majlis.ir/fa[2014.08.17*(In Persian)
- Majlis Research Center 2010, **the country's 2010 budget law**, observed in the site: *http://rc.majlis.ir/fa[2014.08.17*(In Persian)
- Majlis Research Center 2011, **the country's 2011 budget law**, observed in the site: *http://rc.majlis.ir/fa[2014.08.17*(In Persian)
- Malju, M. 2014, **accumulation with the help of dispossession in government eleventh**, observed in the site: *http://pecritique.com/2014/02/07*(In Persian)
- Marx, K. 2009, **Capital, Critique of Political Economy**, Vol. 1, translated by H. Mortazavi, Agah publication. (In Persian)
- Niebuhr, A. 2001, **Covergene and the Effects of Spatial Interaction**, Hamburg Institute of International Economics, HWWA.
- Rahnama, M.R., and Zabihi, J. 2011, **analysis of urban public facilities in Mashhad access to justice spatially integrated model**, Journal of Geography and Development, No. 23, pp. 26-5. (In Persian)
- Saif, A. 2001, **authoritarianism, issue of ownership and accumulation of capital in Iran**, Resanesh publication. (In Persian)
- Saifuddini, F. 2011, **specialized in Urban and Regional Planning**, Second Edition, Tehran, Ayij publication. (In Persian)
- Schaffer, W. A. 1999, **Regional Impact Models**, Regional Research Institute, West Virginia University.
- Small, J., and Witherick, M. 1990: **A modern Dictionary of Geography**, Edward Arnold, London.
- Vazehi, K. 2013, **The Political Economy Iran structures in the pre-capitalist economy**, Samadiyeh publication. (In Persian)
- Zhanga, C., Luo, L., Xu, W., and Ledwitha, V. 2008, **Use of local Moran's I and GIS to identify pollution hotspots of Pb in urban soils of Galway Ireland**, Science of the Total Environment, No. 398, pp. 212-221.
- Zhilnits, A. 2014, **Space and Social Theory**, translated Mahmoud Shorcha, Modiran Emrouz publication. (In Persian)

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-04-26]